

## سبک ساختاری و محتوایی نامه‌های درباری عهد عباس میرزا (ص ۲۹۲ - ۲۷۷)

محمد ایرانی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، فرشاد مرادی<sup>۲</sup>  
تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۳  
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

### چکیده:

آشنایی با وقایع تاریخی، در شناخت گذشته ملت‌ها و افزایش بصیرت آنها برای عبرت‌گیری و برنامه‌ریزی درست تأثیرگذار است. یکی از راه‌های آشنایی با گذشته هر ملت، بررسی مکاتبات دوره‌های تاریخی خاص آن ملت است. هدف این پژوهش، بررسی سبک ساختاری و محتوایی نامه‌های عباس میرزا و ویژگی‌های زبان دیپلماتیک و ادبیات سیاسی اوست؛ زیرا وی یکی از مؤثرترین شخصیت‌های تاریخ سیاسی ایران در دو سده پیش است که در میدان مبارزه فرهنگی و نظامی علیه بیگانگان کوشش‌های چشمگیر و ارزشمندی از خود نشان داده است. پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که سبک نگارشی و محتوایی نامه‌های عباس میرزا چگونه است؟

کلیشه‌ای بودن عبارات آغازین نامه‌ها، آوردن سجعها و مترادفات متوالی، بکارگیری صفات متناسب با موضوع نامه‌ها و مرتبه و جایگاه سیاسی - اجتماعی مخاطبان از مهمترین ویژگی‌های سبکی نامه‌های عباس میرزا است که در جستار حاضر به آنها اشاره کرده و مصادیقی برای هر یک آورده‌ایم. جامعه آماری پژوهش، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران دوره قاجاریه و حجم نمونه‌ها، نامه‌های عباس میرزا به برخی شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی معاصر خویش است.

### کلمات کلیدی:

عباس میرزا، نامه‌ها، سبک نگارش، سجع، مترادفات متوالی، اختصاصات لغوی و دستوری.

---

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی moham.irani@gmail.com  
۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان farshadmoradi56@yahoo.com

**مقدمه:**

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که: سبک نگارشی و محتوایی نامه‌های عباس‌میرزا چگونه است؟ برای پاسخ، اسناد و مدارک موجود را - که شامل نامه‌های عباس‌میرزا به شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی معاصرش است - به شیوه کتابخانه‌ای و سندکاوی بررسی کرده‌ایم. اصلیت‌ترین منبع مورد استفاده، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (دوره قاجاریه) است.

یکی از منابع معتبر اطلاعات تاریخی که بخش عمده‌ای از میراث ادبی مکتوب هر ملت را تشکیل می‌دهد، نامه‌ها و مکاتبات شخصیت‌های تأثیرگذار در روند تاریخی آن ملت است. دوره قاجار از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر است که آگاهی از وقایع آن در شناخت گذشته و گسترش افق دید و اندیشه ما نسبت به آینده تأثیرگذار است. در میان شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ ایران، عباس‌میرزا ولیعهد از نظر درایت و دوراندیشی، احساس مسؤولیت نسبت به منافع ملی، توجه به علوم و فنون نوین و مبارزه با استعمار و تجاوز بیگانگان، اهمیت بسزایی دارد؛ تا جایی که اگر وی را یکی از پیشروان نهضت بیداری در کشورمان بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

انجام پژوهش بر مبنای مکتوبات این شخصیت، روزه‌ای به آشنایی با رویدادهای تاریخی کشورمان است. پیش از این، پژوهش مستقلی درباره ویژگی‌های سبکی این نامه‌ها صورت نگرفته و به اجمال و کلی در کتابهای سبک‌شناسی و تواریخ، متن برخی از این مکاتبات آمده یا ویژگی‌های آنها به اختصار و در قالب دوره‌های تاریخی ذکر شده است.

عباس‌میرزا چهارمین پسر فتحعلیشاه، متولد چهارم ذیحجه ۱۲۰۳ ه.ق / بیست و هفتم اوت ۱۷۹۸ م است که بنابر وصیت آغامحمدخان قاجار مبنی بر اینکه مادر ولیعهد ایران بایستی از خاندان قاجار قائلو باشد، در سال ۱۲۲۳ م به ولیعهدی برگزیده و همراه میرزا عیسی قائم مقام و سرداری ابراهیم خان - سردار قاجار - به حکمرانی آذربایجان مأمور شد. وی در جنگ‌های خونین ایران و روسیه از سال ۱۲۱۸ ه.ق / ۱۸۰۳ م - تا ۱۲۲۸ ه.ق / ۱۸۱۳ م، ۱۲۴۱ ه.ق / ۱۸۲۶ م تا ۱۲۴۳ ه.ق / ۱۸۲۸ م جانفشانیها کرد. آشوبهای داخلی را سرکوب و عده ای را برای آشنایی با علوم و فنون به اروپا اعزام کرد و در چهل و پنج سالگی در دهم جمادی الآخر ۱۲۴۹ ه.ق / ۱۸۳۳ م در مشهد درگذشت.

هدف این نوشتار، بررسی ویژگی‌های سبکی هفتاد و پنج نامه عباس‌میرزا است که از این تعداد، شصت و نه مورد نامه، پنج مورد فرمان و یک مورد سواد (پیشنویس) نامه است. مخاطبان عباس‌میرزا به ترتیب بیشترین مکاتبه‌ها عبارتند از:

۱- محمدغالب پاشا والی آرزنة الروم (۱۴مورد) ۲- محمدامین رئوف پاشا والی آرزنة الروم (۵مورد) ۳- محمدصادق افندی رئیس الکتاب دولت عثمانی (۴مورد) ۴- احمد پاشا والی آرزنة الروم ۵- درویش پاشا صدراعظم عثمانی (هر کدام ۳مورد) ۶- کدخدای دولت عثمانی (۳مورد) ۷- قائم مقام صدارت عثمانی (۳مورد) ۸- داوود پاشا والی بغداد ۹- محمود پاشا ۱۰- شاکر احمد پاشا ۱۱- حاکم سلیمانیه ۱۲- محمد سعید پاشا رئیس الکتاب دولت عثمانی ۱۳- محمد صالح پاشا والی آرزنة الروم ۱۴- زین العابدین خان ۱۵- سهرافورد جونز سفیر انگلیس ۱۶- خورشید احمد پاشا صدراعظم دولت عثمانی (هر کدام ۲مورد) ۱۷- میر سیدعلیزاده طباطبایی ۱۸- بهلول پاشا حاکم بایزید ۱۹- پرتو پاشا رئیس الکتاب دولت عثمانی ۲۰- آقا محمد حسن ۲۱- سید احمد پاشا قائم مقام دولت عثمانی ۲۲- اسعد پاشا والی آرزنة الروم ۲۳- سیدخلیل پاشا قائم مقام دولت عثمانی ۲۴- محمود طیار پاشا والی آرزنة الروم ۲۵- محمدامین آغاسی گمرکچی آرزنة الروم ۲۶- سیدغالب پاشا رئیس الکتاب دولت عثمانی ۲۷- سید محمد پاشا رئیس الکتاب دولت عثمانی ۲۸- خلیل پاشا قائم مقام دولت عثمانی ۲۹- نجفعلی خان حاکم خوی ۳۰- حسین خان سردار ایروان ۳۱- سلیمان پاشا والی - بغداد ۳۲- سید عبدالله افندی شیخ الإسلام عثمانی ۳۳- محمد صالح افندی رئیس الکتاب دولت عثمانی ۳۴- خسرو محمد پاشا والی آرزنة الروم ۳۵- ابراهیم پاشا والی آرزنة الروم ۳۶- علی پاشا کدخدای والی آرزنة الروم. غیر از این نامه‌ها، دو نامه هم با عناوین زیر موجود است که فقط از مقام مخاطبان نام برده و به نام آنان اشاره نکرده: یکی خطاب به قائم مقام دولت عثمانی و دیگری خطاب به صدراعظم عثمانی است.

### ۱- ویژگیهای بدیعی و بلاغی

#### ۱-۱- اطناب

در نامه به رییس دولت عثمانی - که در متن اصلی با عنوان کهمیا (رییس و بزرگ) آمده است، پس از عنوان احترام آمیز آغازین، در بیان صلح دو دولت این چنین به اطناب می‌گراید: «در این اوقات سعادت آیات که گلزار بهجت آثار موافقت و اتحاد دولتین علیتین از خار نثار و نثار پیراسته و شاهد موافقت و وداد شوکتین بهیتین به زیور صدق و صفا آراسته آید، امضای عهدنامه...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۶).

در نامه به داوود پاشا و در بیان زیبابودن نامه دریافتی از وی چنین مینویسد:

«مصادقت نامه آن جناب که صناعت عباراتش در صروف اشارات با سبک اعجابی جدید بود پیرایه بساط استعجاب گشته در پیشگاه استغراب ملحوظ شد و در مخزن اعتبار مخزون و محفوظ ماند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۶).

### ۱-۲- سجع

بیشترین میزان استفاده از سجع در عبارات آغازین نامه‌ها است که همگی کلیشه‌ای و تکراری هستند؛ البته بسته به مقام علمی یا سیاسی گیرنده نامه، تغییرات جزئی در این عبارات کلیشه‌ای دیده می‌شود. در اینجا عبارتی را که در بیشتر نامه‌ها مکرر است، می‌آوریم و با اشاره به چند مورد تغییر جزئی به توضیح مطلب می‌پردازیم:

جناب مجدت و نجدت نصاب، جلالت و نبالت مآب، فخامت و شهامت انتساب، نظام‌آموز امور، مروّج مهمّ جمهور... .

اگر مخاطب قائم مقام بوده پس از این عبارت مینویسد: «قائم مقام با احتشام» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۶). و اگر والی بوده مینویسد: «زُبده الولاية العظام، عُمدة الكبراء الفخام» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۹). گاهی طرز خطابش بیانگر فاضل بودن مخاطب است؛ در این گونه نامه‌ها مطالب آغازین نامه را چنین تمام می‌کند: «صیانت رأی صافی ضمیر، ثاقب فکر فرخنده تدبیر، افتخار الأکیاس و الألباب» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۹۵). در خطاب به سِرهارفورد جونز سفیر انگستان، وی را بزرگ بزرگان آیین ترسایی میداند: «عُمدة الأعظم العیسویه» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۲۲)؛ اما همین خطاب را در نامه به شیخ الإسلام عثمانی چنین می‌آورد: «ذات ستوده خصایل جناب فضایل مآب مقدّس القاب، حقایق و دقایق انتساب، نجابت و شرافت نصاب، محمود الأدب، کریم الحسب، شیخ الإسلام و المسلمین از نوائب روزگار برکنار باد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۴۹).

در نامه‌ای که درباره جنگ ایران و روسیه به خلیل پاشا قائم مقام دولت عثمانی مینویسد، درخواست وی را برای متوقف کردن جنگ این گونه پاسخ می‌دهد: «درباب ترک معارکه و محاربه با روس منحوس که به آن روش سِمَتِ اظهار یافته بود بدیهی است که خبائث ذات و شامت صفات آن طایفه خایفه نظر به امتداد مجاورت بر اولیای آن دولت دوران عدت کما هو حقّه پدیدار و ذمایم صلح و محاسن جنگ با کفره بی نام و ننگ بنا بر وفور تجربت امنای آن شوکت را کما ینبغی واضح و آشکار خواهد بود» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۱۲). در اتحاد ایران و عثمانی علیه روسیه

مینویسد: «بحمدالله مقامات محبت مجموع است و حجابات مغایرت مرفوع، جانها متحدند، زبانها متفق» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۵۳).

در همین نامه در تبیین سبب خوشرفتاری ظاهری روسیه با عثمانی و پس از توضیح منقّی سبب این رفتار، مینویسد: «همچنین ظاهر است که مامشات امروز آنها با آن حضرت به واسطه اشغالی است که به محاربه فرانسه دارد و الا نور را با ظلمت چه نسبت و کفر را با اسلام چه الفت» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۵۳).

در نامه‌ای که به محمدامین‌رئوف پاشا والی آرزنة الروم مینویسد، موارد متعددی را که باید دو دولت ایران و عثمانی در حق همدیگر رعایت کنند، به این ترتیب نام میبرد: «...اکرام وارد و عابر و رفتار کاسب و تاجر و تسلیم قلاع مأخوذه و استرداد اموال محفوظه و پس دادن ولایات و پس ندادن ایلات تا رجال آن دولت درعین موافقت و مصافات بر وفق مطابقت و مساوات عمل نمایند چه راه جواب و حرف حساب در مقابل خواهد بود» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۰).

در نامه‌ای که به محمدامین‌رئوف پاشا والی آرزنة الروم و در توصیف حسین‌خان سردار ایروان مینویسد: «عالیجاه جلالت و مناعت دستگاه، فخامت و متانت همراه، شهامت و بسالت- همراه...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۱).  
در خطاب به محمدصادق افندی او را این گونه توصیف میکند: «خاصّه آن جناب که به مکارم اخلاق موصوف است و به محامد اوصاف معروف» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۶۳).

### ۱-۳-۱- تتابع اضافات

در آغاز نامه‌ای که به محمدرئوف پاشا والی آرزنة الروم مینویسد، پس از تکرار مقدمه کلیشه‌ای، با این عبارات از وصول نامه مخاطبش خبر میدهد: «ذریعه آداب ترجمه آن جناب واصل، انجمن حضور پرنور و مضامن آن بر رأی التفات اقتضای والا مشهور شد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۵).

### ۱-۴-۱- اقتباس

در موضوع ناسازگاری مرزداران عثمانی، عبارت معروف سعدی را اقتباس کرده است: «بلی هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید، باری این معنی برای آن جناب معلوم شد که...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۴).

### ۱-۵- درج و تضمین

وقتی که به ذکر دلایل لشکرکشی به ایروان و وصف حال مردم گرفتار آن سامان می‌پردازد، آنان را چونان عنکبوت سست منزل میداند و برای بیان درماندگیشان از تعبیر قرآنی مندرج در آیهٔ چهل و یکم سورهٔ عنکبوت بهره می‌گیرد: «به عزم تنظیم و اصلاح امور ایروان و دفع مفسدین آن سامان که محض بدبختی و تیره‌روزی «كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا» در تنگنای حصار متواری گردیده‌بودند...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۹).

همچنین در نامه‌ای که به میرسید علیزاده طباطبایی و در موضوع جنگ ایران و عثمانی و معاهدهٔ آرزنة الروم نوشته، ضمن بیان یکی از نکات مثبت این معاهده که تحمیل غرامت به عثمانی است، دو واژهٔ قرآنی «نقییر» و «قطمیر» را درج و تضمین کرده که اولی در آیات پنجاه و سوم و یکصدویست و چهارم سورهٔ نسا و به معنای شکاف هستهٔ میوه و دومی در آیهٔ سیزدهم سورهٔ فاطر و به معنای لایهٔ سفیدرنگ نازک دور هستهٔ برخی میوه‌ها نظیر خرما و هر دو نمادی برای بیان کم‌ارزشی چیزی هستند: «...دولت عثمانی کرور کرور زیان و ضرری را که از قتل و غارت عساکر منصوره کشیده بود لابد و ناچار گذشتند و نقییر و قطمیر آن چه از تجار و حجاج و سایر اهالی این طرف در آن سالهای خصومت گرفته بودند متقبل شدند که ردّ و تسلیم نمایند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۷).

### ۱-۶- تنسیق الصفات

بیشترین میزان استفاده از تنسیق الصفات وقتی است که موصوف، واژهٔ «دولت» یا نام شخصیت مورد احترام باشد و در بیشتر آنها، صفات بر موصوف مقدم شده است. در نامه‌ای خطاب به محمدامین رثوف پاشا والی آرزنة الروم، برای نجیب افندی محاسب آناتولی دو صفت ترکیبی و برای دولت یک صفت ساده و برای محمدقاسم خان چهار صفت ترکیبی متوالی آورده که در هر سه مورد صفت را بر موصوف مقدم کرده است:

«حرکت و تعیین عمدهٔ الأماجد، أسوة الأعظم، نجیب افندی محاسب آناتولی برای ابلاغ تصدیق نامهٔ مبارکه معروض رأی التفات پیرا گردید و از طرف همایون دولت علیّه نیز عالیجاه عزت پناه صداقت‌آگاه، مقرب الخضره محمدقاسم خان به سفارت تعیین و برای ابلاغ تصدیق نامهٔ مبارکه به دربار دولت علیّه عثمانی مأمور، و همین روزها از سرحد عبور و مرور خواهد کرد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۳).

گاهی در آوردن تعداد صفات مبالغه کرده و این مبالغه سبب اغراق نیز شده است. عبارات زیر همگی در توصیف قاسم خان سفیر اعزامی عباس میرزا به عثمانی است:

«لهذا دستور العمل مفصلی به عالیجاه رفیع جایگاه، مجدت و جلالت پناه، سفارت و نبالت آگاه، مقرب الحضرة العلیّه، قاسم‌خان سفیر دولت علیّه نوشته داده ایم» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۵).

در نامه‌ای هم که به محمدغالب پاشا والی آرزنة الروم نوشته، حسین‌خان سردار ایروان را اینگونه وصف میکند: «آن چه مقتضی مواحدات دولتین و ملاحظه قاعده و قانون بود به عالیجاه رفیع جایگاه، جلالت و جلادت همراه، امیرالأمراء العظام، سردار کثیر الإحتشام، حسین‌خان سردار ایروان مرقوم و مقرر داشتیم و تأکیدی که لازم بود کردیم» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۶۸).

هرگاه موصوف، سایر ترکیبات وصفی باشد، به روال معمول، صفت پس از موصوف آمده است. برای نمونه در جملات زیر، صفتها همگی در وصف لشکر و شاه قاجار است: «...و بنای نهضت موکب همایون اعلیحضرت سکندر رتبت قیصری و رکوب لشکر اسلام و...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۶).

«... در مقدمه موکب جهانگشای پادشاه جمجاه اسلام پناه ظلّ الله - روحی فداه - با لشکری فزون از شماره به عزم تخریب بنیان قرار کفره روسیه و...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۹).

در نامه‌ای که به قائم مقام دولت عثمانی مینویسد، برای عسکرخان سالار سپاه افشار پنج صفت و برای پادشاه ایران شش صفت متوالی می آورد:

«چون در این اوقات فیروزی علامات که عالیجاه رفیع جایگاه، صرامت و صولت پناه، مناعت و فخامت همراه، عمده خوانین کبار، عسکرخان سالار سپاه افشار، از درگاه پایگاه اعلیحضرت پادشاه خورشیدافسر، ستاره سپاه، جمشیدقدر، فریدون دستگاه، شهریار مجاهد مرابط آگاه، سایه رحمت الله - روحی فداه - به سفارت تعیین و روانه آن حدود میشد...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۸).

در نامه‌ای که به کدخدای دولت عثمانی نوشته، اتحاد میان دو دولت ایران و عثمانی را پسندیده میداند و برای این اتحاد که وی با عنوان اجماع از آن نام میبرد، چهار صفت متوالی آورده است: «...و اجماع به حکم عقل و شرع، محمود و ممدوح و مستحسن و مندوب است» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۷۱).

#### ۱-۷- لفّ و نشر مشوّش

در نامه به قائم مقام دولت عثمانی که با موضوع اتحاد ایران و عثمانی علیه روسیه و برای ارائه گزارش کوتاه از پیروزی ایران مینویسد، واژه‌های دشمن و دوست و رحمت و

عذاب را با زنجیرهٔ لفّ و نشر مشوّش به هم وصل میکند: «... باز افواج حاضر رکاب که بر دشمن و دوست نمودار رحمت و عذاب اند به یک رُکُضت دلیرانه آنها را مقهور، مغلوب، گریزان و فراری داشته جمعی اسیر و جمعی را قتل نمودند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۳۲).

### ۸-۱- تکلف و تصنع

در بعضی از نامه‌های عباس میرزا مطلب اصلی در هاله‌ای از تعقیدات معنایی پیچیده شده چنان که فهم معنا را مشکل میکند به عنوان مثال در آغاز نامه به شاکر احمدپاشا قائم مقام دولت عثمانی برای اعلام وصول نامهٔ وی اینگونه مینویسد: «ذریعۀ مرسلۀ مشعر از اظهار مطابقت‌های دو دولت و موافقت‌های دو شوکت، به انجمن محبت رسید و مسطورات آن به تفاصیلها مشهود نظر التفات گردید» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۳۱). در نامه به قائم مقام دولت عثمانی نیز - که موضوع آن اتحاد ایران و عثمانی علیه روسیه است - اینچنین به عثمانی قول همکاری میدهد: «...همین که عزیمت این سرحدات نماید، کمال امداد و تقویت از طرف ما ظاهر و به عنایت‌الله و تأییده از تهاجم دو سپاه، سدّ رخنه بل قلع مادهٔ کفره به جهدی عُسر صورت یُسر خواهد یافت» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۴۳).

### ۲- ویژگیهای دستوری

۲-۱- کاربرد «ها»ی جمع در معنای کثرت در واژهٔ «چه قدرها»: بر خدا ظاهر است که ما از روزی که خبر انعقاد این مصالحه رسید تا حال، چه قدرها سعی و جدّ در اتمام این امر داشته ایم» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۰).

۲-۲- جمع بستن واژهٔ هوا (در معنای آب و هوا): «اگر هواها سرد نشده و موسم برف و برد نرسیده بود، دیگر جایی در دست آنها نمی ماند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۱).

۲-۳- کاربرد اسم به جای صفت: در این نمونه فرانسه را به معنای فرانسوی به کار برده است: «موسیو اوتره و چند نفر فرانسه عازم این حدود میباشند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۲۵).

۲-۴- جمع مکسر واژگان نسیم، قط، تفصیل، جبّار: «مهد بوستان موافت دولتین از روایح اتحاد روحانی بوستان و گل‌های مواحدت شوکتین از تنفس نسایم تألیفات رحمانی شکفته و خندان گردیده» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۹۵). «عموم سگان و قُطان سرحدات نیز که حسن اهمتامات و اجتهادات آن جناب را در اکمال



مطابقت دو حضرت ملاحظه مینمایند، همه کما ینبغی و یلیق سالک طریق صدق و صواب خواهند گردید» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۸۱).

۲-۵- ترکیب «ذهاب و ایاب» و به کار بردن اسم مثنی به پیروی از عربی: «به حکم موافقت طریق و فریق غالب ایلیچیان دولتین در ذهاب و ایاب بوده و مزید بر این معتمدی نیز از این شوکت در پایه سریر آن دولت توقف داشته» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۷۷).

۲-۶- کاربرد لغات فارسی با نشانه جمع عربی و مطابقت موصوف و صفت: واژه «فرمایش» نمونه ای از این کاربرد است: «اولیای دولت عثمانی را از بعضی فرمایشات اتفایه آگاهی دادیم» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۴).

۲-۷- کاربرد واژه «دولت» با صفت مؤنث و مثنی: «آن جناب هم فرمایشات ما را، به واسطه اتحاد دولتین علیتین، بر مصالح مهمام عموم اهل اسلام دانسته، مجاهده مشکور مبذول دارد» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۵).

در یک مورد هم، واژه «سواره» را با صفت مؤنث آورده است: «الحال، که روز ششم ذیقعه است، سواره مزبور نرسیده» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۶).

### ۳- ویژگیهای لغوی

۳-۱- توفیر به معنای تفاوت: «...رجال دولت علیّه عثمانی هرچه را کسر شأن دولت خود دانند کسر شأن این دولت نیز دانسته در تحمیل و تکلیف آن فرق و توفیر مابین دو دولت که با یکدیگر در مقام اتحاد و صفوت هستند، نگذارند» اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۰).

این واژه عربی است و معنی آن در فرهنگ لغت چنین است: «تمام کردن حق کسی و بسیار کردن و در عرف به معنی گرد کردن مال و اندوختن آن» (فرهنگ جامع فارسی (آندراج)، پادشاه، ج ۲: ص ۱۲۳۱). عباس میرزا آن را نه در معنای لغوی بلکه در معنای عامیانه و گفتاری به کار برده است «توفیر [towfir] تفاوت، فرق. توفیر کردن: ۱- تفاوت- داشتن، متفاوت بودن، توفیر داشتن (مترادف فرق کردن) ۲- عوض شدن، تغییر کردن. توفیر گذاشتن: فرق گذاشتن (میان دو چیز)، تشخیص دادن چیزی را از چیزی» (فرهنگ عامیانه فارسی، نجفی: ص ۳۳۷). کاربرد این واژه با همین معنا در برخی از گویشهای زبان کردی رایج است. «ته و فیر: جیاوازی، ته فاوت، ته وافه ت، تفاوت» (فرهنگ کردی - فارسی، شرفکندی: ص ۱۷۱).

۲-۳- التیام در معنای بهبودی روابط سیاسی: «با این سعی و اجتهادی که از آن جناب میشنویم، یقین داریم که روزبه‌روز بر التیام دولتین خواهد افزود» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۱).

۳-۳- ابدأ به معنای تا ابد: امروزه این واژه را برای تأکید در آینده به کار می‌برند. دهخدا آن را قید عربی می‌داند که در فارسی به عنوان قید به کار می‌رود. ابدأ (ع ق) ظرف زمان است برای تأکید در مستقبل نفیاً و اثباتاً، همیشه، جاویدان (لغتنامه، دهخدا: ذیل ابدأ). «باری، اتحاد دولتین اسلام به درجه کمال است و از این طرف آن چه مقتضی موافقت و موالات میباشد ابدأ مرعی و ملحوظ خواهد بود» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۴).

۴-۳- واژه عامیانه حالی به معنای تفهیم: «از این طرف نیز بعضی مراتب به او حالی شده که در زمان حضور حالی آن جناب بکنند» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۵). این‌گونه کاربرد امروزه نه تنها عامیانه بلکه و بی ادبانه نیز هست.

۵-۳- سنورچی به معنای مرزبان: «اگر آن جناب خود انصاف نماید به این که سنورچی منصفی فرستد، چگونگی کما هو حقه، معلوم آن جناب خواهد شد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۹۲).

این واژه در اصل گردی است و از سنورچی (پسوند ترکی به معنی مسؤول و متصدی چیزی یا کسی) ساخته شده است. «سنور: حدود، مرز» (فرهنگ گردی - فارسی، شرف‌کندی: ص ۴۲۱).

۶-۳- فرمایش شدن به معنای دستور دادن: «عالیجاه کیاست‌پناه، سعیدخان، که از نوکرهای این دولت است، چندگاه پیشتر به انگلیس رفت و بعضی اسباب به او فرمایش شده بود بخرد و برای ما بیارد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۹۴).

۷-۳- تلف شدن به معنای کشته شدن: «آخرکار مشاجره آنها با چند نفر جهال بازاری کشید و علی الغفله شورش عظیمی برخاست که ایلچی خود نیز در آن معرکه و ازدحام به اشتباه تلف شد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۱۷). کاربرد این واژه در فارسی عامیانه، معنای تحقیرآمیز دارد و برای حیوانات به کار می‌رود.

۸-۳- خیریت به معنای بهترین: «پیوسته به ملاحظه رسوم اتحاد دولتین علیتین حالات خیریت دلالات را با مهمات به مقام اظهار درآورد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۴۲). امروزه این واژه به معنای مصلحت کاربرد دارد: «گفت:

این حرف رو نزن، مصلحت خدا بوده تو مجروح بشی. حتماً خیریتی توش هست!» (خاطرات سیده زهرا حسینی، حسینی: ص ۵۴۱).

خیریت به تخفیف «ی» دوم (بدون تشدید) به همین معنی در کردی نیز کاربرد دارد و غالباً از باب شگون و فال نیک، هنگام سخن گفتن از کاری که در شرف انجام است و یا قصد انجام آن کار هست، بر زبان آورده می‌شود: وَ خیریت رسیدَه بَرَو؟ آری خیر بُوینی! (= به خیر و سلامتی به مقصد رسیدی؟ آری خیر ببینی) یا: خیریت کارِد دُرُس بُوی؟ خیر بُوینی، آری! (= کارت درست شد به خیر؟ خیر ببینی، آره!)

۹-۳- **صالدات در معنای سرباز و امنیه:** «حسین خان سردار را با هشتصد نفر سرباز و یکصد نفر سواره به قراقلی‌سای ملیک ... متصل به چهارپنج سنگر دیگر روسیه که هر یک پانصد و هفتصد نفر و هزار نفر صالدات و دوسه عرّاده داشت واقع بود، فرستادیم» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۲۲). صالدات/سالدات (روسی) و به معنی سرباز و امنیه است. احتمالاً از سولدات فرانسوی یا آلمانی یا سولیدوس (solidus) لاتینی - به معنی نوعی سکه‌ی طلا که امپراتور به سربازان و سپاهیان پرداخت می‌کرده - گرفته شده باشد.

۱۰-۳- **مایور و آپی سر در معنای سرگرد و افسر:** «سی چهل نفر را که در خانه و شیب زمین گریخته بودند به آتش زده سوخته و بقیه دیگر را با دو مایور و چهار آپی سر به کلی کشته زیاده از یکصد نیزه سر آنها به دست آمده...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۲۳). مایور و آپی سر به ترتیب تلفظی هستند از major به معنی سرگرد و فرمانده، و officer به معنی افسر نظامی است.

۱۱-۳- **صفحات در معنای مناطق:** «... مضطر و هراسان به جانب تفلیس گریزان شد و اکنون شورشی عظیم در صفحات مزبوره برپاست» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۳۶).

۱۲-۳- **به کار بردن واژه کُلفت به معنای کدورت و دشمنی:** «... و البته آن جناب که خیرخواه و آگاه است در حفظ الفت و رفع کُلفت، کمال اهتمام مبذول خواهد داشت» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۴۱).

۱۳-۳- **به کاربردن ضمائر «آن» و «این» برای اشاره به انسان:** «آقامصطفی برادر او را که به صدق و خلوص معروف و مخصوص است به مهمّ او تعیین نمودیم و اموری را که به آن مفوّض بود به این محوّل داشتیم» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۷۷).

۳-۱۴- ساختار فعل آینده: در دو مورد از نامه‌های عباس میرزا فعل آینده با الگویی ساخته شده که جالب توجه است. (صفت مفعولی + خواهد بود) «ظهور یافته خواهد بود» به جای «ظهور خواهد یافت» و «تحریر و تسطیر نموده خواهد بود» به جای «تحریر و تسطیر خواهد نمود»؛ «اگر چنانکه آن جناب نوشته کوششهای امساله به این طرف به رجال آن دولت هنوز مستور بوده إلى الآن البتّه ظهور یافته خواهد بود» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲، ص ۱۳۱). «اگر چه عالیجناب فضایل مآب، سفیر دقیقه یاب، عبدالوهاب افندی صادرات امور این حدود و ثغور را کماجرای تحریر و تسطیر نموده خواهد بود، اما چون دو دولت...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲، ص ۱۳۴). می‌توان این ساخت را نوعی مستقبل/آینده محقق الوقوع نامید. ضمناً کاربرد «اما» به عنوان حرف پیوند همپایگی با «اگر چه» نکته دستوری و نگارشی خاصی است که بر خلاف دیدگاه برخی از مؤلفان کتب نگارش و دستور زبان سابقه کاربردش در فارسی به زمان حال منحصر نمی‌شود.

#### ۴- ویژگیهای مختصّ مکاتیب

##### ۴-۱- ساختار ظاهری نامه‌ها

در این قسمت از نوشتار به بررسی ساختار ظاهری متن دستنویس نامه‌ها می‌پردازیم که از نسخه‌های عکسبرداری شده است؛ نه ساختار ظاهری نامه‌ها پس از بازخوانی و چاپ؛ زیرا در متن چاپی، عنوان، گیرنده، موضوع و گاهی تاریخ نگارش نامه آمده در حالیکه در متن اصلی و دستنویس این‌گونه نیست.

الگوی کلی ساختار نامه‌ها به این صورت است که بدون داشتن عنوان، موضوع و تاریخ در آغاز آنها، مستقیماً عبارات احترام آمیز آغازین آمده و متن اصلی شروع شده است. برخی از نامه‌ها در آغاز مهر ندارد اما برخی دیگر با مهر و بیژه عباس میرزا و عبارت «دُرّ دریای خسروی عباس» مهر شده است. گاهی نیز بدون اینکه نامه مهر شده باشد، این عبارت به صورت دستنویس در آغاز آمده است. جای مهر - برخلاف امروز - در آغاز و پیش از شروع متن نامه است. هرگاه نامه ممه‌ور به مهر عباس میرزا است، عبارت «حکم والا شد» نیز به دنبال آن آمده است. عبارات آغازین نامه معمولاً به ادای احترام به مخاطب اختصاص یافته و سپس اصل مطلب آمده است. در پایان نامه نیز آرزوی سعادت و سلامت برای مخاطب نوشته شده است؛ البتّه این مورد در همه نامه‌ها وجود ندارد و نامه‌هایی که حکم فرمان یا اعتراض دارند، از این قاعده مستثنی هستند.

#### ۴-۲- آغاز نامه‌ها

عبارات کلیشه‌ای و تکراری احترام‌آمیز زیر در تعداد زیادی از نامه‌ها دیده می‌شود که به نقل یکی از آنها می‌پردازیم: «جناب مجدت و نجدت انتساب، نبالت و جلالت اکتساب، فخامت و منعت مآب، صرامت و سحامت نصاب، نظام آموز امور، رواج بخش جمهور، صائب فکر پسندیده و...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۶). در برخی نامه‌ها نیز یک یا دو مورد از ترکیبات فوق تغییرات جزئی دارد که پیش از این به آن اشاره کرده‌ایم.

در فرمانهای وی به حاکمان و زبردستانش، تعداد صفتها اندک و مقدمه کوتاه است. عبارات آغازین فرمان عباس میرزا به محمدامین آغاسی گمرکچی باشی آرزنة الروم نمونه‌ای است از این مورد: «آنکه عالیجاه عزت و صداقت نشان، مناعت و فخامت توأمان، سلاله الأعلیٰ و الأعیان، محمدامین آغاسی گمرکچی باشی آرزنة الروم به مزید توجهات خاطر مرحمت مظاهر والا عز و اعتبار و افتخار یافته بدانده...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۰).

در نامه‌ها و فرمانهایی که به زبردستان خود نوشته، عباراتی آورده که نشان دهنده والامرتبگی وی نسبت به آنان است. در نامه به نجفعلی خان حاکم خوی، وی را به سبب دریافت نامه از سوی خود، «مشرّف» میداند و مینویسد: «سواد رقم قضا، شیّم بندگان، نواب اشرف والا، نایب السلطنه مبارکه به افتخار عالیجاه نجفعلی خان قاجار حاکم خوی شرف صدور یافته است» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۱۲۵).

در خطاب به سرهارفورد جونز سفیر انگلیس نیز همین الگو و جمله‌ها را با اندکی تغییر به کار برده است.

در آغازچند نامه از جمله نامه‌ای که به دروش پاشا صدر اعظم دولت عثمانی نوشته، تغییرات بیشتری دیده می‌شود:

«حضرت افلاطون فطنت ارسطو رتبت، ناظم الأمور بالرأی الصائب، کافل المهام الجمهور بالفکر الثاقب، مشیر مشتری نظیر، وزیر روشن ضمیر، صدرالوزراء، فخرالکبراء...» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۱۸).

یکی از نامه‌های عباس میرزا خطاب به غالب پاشا والی آرزنة الروم و کمتر از ده سطر است و مهر آن با بقیه نامه‌ها متفاوت است وی این نامه را به زین العابدین بیگ نوشته است.

مهر: عبده الرّاجی عبّاس

این نامه بدون مقدمه و اینگونه آغاز شده است: «عزّ اعلام میداریم که عالیشان زین-العابدین بیگ که شرف اندوز حضور شد برخی مطالب از نیکخواهی و صلاح‌اندیشی آن جناب درباب نظم بعضی از سرحدات عرض کرد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۳). نامه‌ای نیز که به آقامحمدحسن خان نوشته مشابه همین نامه به غالب پاشا و بدون مقدمه است.

دو نامه از نامه‌های عباس میرزا آغاز غیر کلیشه‌ای دارند که یکی نامه‌ای است که به میرسیدعلیزاده طباطبایی و دیگری سواد نامه‌ای است که به غالب پاشا والی آرزنة الروم نوشته است. نامه به میرسیدعلیزاده پس از نیم‌سطر مقدمه چنین آغاز میشود: «شوقمند ملاقات بر صفحه موالات مینگارد که» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۶). نامه به غالب پاشا نیز اینگونه آغاز میشود: «مقاصد دولت عالیّه ایرانیه، که از جانب نواب مستطاب ولیعهد به جناب جلالت انتساب غالب پاشا سرعسکر جانب شرق به وساطت عالیشان آقامحمدحسن مباشر امور تجار عجم اعلام و اظهار شده» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۹).

#### ۴-۳- پایان نامه‌ها

عبارات تکراری که در پایان نامه‌های عباس میرزا آمده عبارتند از:  
باقی الخاتمه بالعافی، الخاتمة بالعافی، باقی الخاتمة بالسّلامه، باقی الفاتحة بالسّعادة و الخاتمة بالکرامه، باقی الخاتمة بالخیر و السّلامه، باقی الفاتحة بالسّلامه و الخاتمة بالسّلامه، الخاتمة قرینه بالسّعادة بالسّلامه، باقی الخاتمة بالسّعادة ثمّ بالخیر و العافی، الخاتمة بالفاتحة، الخاتمة بالسّلامه، والسّلام خیر ختام. در همه نامه‌هایی که از سال ۱۲۳۹ به بعد نوشته است علاوه بر عبارات پایانی، تاریخ نگارش نامه را نیز آورده که در برخی فقط نام ماه و در برخی نیز ماه و سال را نوشته است. در نامه به کدخدای دولت عثمانی و محمدصالح افندی رئیس الکتّاب دولت عثمانی تاریخ نگارش این گونه آمده است:

«شهر ذیقعه» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۴۳). نامه به محمدصالح افندی تنها موردی است که در آن مهر عباس میرزا برخلاف سایر نامه‌ها، بر پشت نامه کوبیده شده است. (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۲۴۵).

در نامه به داوود پاشا والی بغداد تاریخ نگارش نامه را دقیق مینویسد: «تحریراً فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۳۹» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۳۰). همچنین است نامه به پرتوپاشا رئیس الکتّاب دولت عثمانی «تحریراً فی شهر شعبان المعظم

سنه ۱۲۴۳» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۸۴). پایان نامه به میرسیدعلیزاده طباطبایی و داوودپاشا والی بغداد با نامه‌های دیگر تفاوت زیادی دارد «باقی ایام به کام باد بربّ العباد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۵۸). «الباقی ایام وزارت و امارت مستدام باد»

( اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۵).

در نامه به محمدغالب پاشا والی آرزنة الروم از بدرفتاری داوودپاشا وزیر بغداد با مجاورین ایرانی عتبات خشمگین شده و نامه را اینگونه به پایان برده است: «زیاده حاجت ترقیم نمیباشد» (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، نصیری، ج ۲: ص ۷۳).

### ۵- انواع نامه‌ها از لحاظ هدف نگارش

پراکندگی آماری نامه‌های عباس میرزا نشان دهنده اهمیت برقراری ارتباط با عثمانی است بگونه‌ای که اگر موارد متفرقه نامه‌های وی را که به مناسبت‌های خاص نگاشته نادیده بگیریم، نزدیک هفتاد درصد نامه‌های وی را مکاتبه با عثمانی تشکیل می‌دهد زیرا بیشتر موارد مربوط به معرفی سفیر و جنگ با روسیه نیز در راستای برقراری و تحکیم روابط با عثمانی بوده است. تعداد کل نامه‌های عباس میرزا هفتاد و پنج نامه می‌باشد که به تفکیک هدف نگارش در جدول و نمودار زیر آمده است:

۱۱	۱۴/۶۶٪	انعقاد قرارداد و برقراری روابط با عثمانی
۴	۵/۳۳٪	فرمان اخذ مالیات یا انجام عملیات
۱۲	۱۶٪	معرفی سفیر
۱۰	۱۳/۳۳٪	جنگ ایران و روسیه
۳۸	۵۰/۶۶٪	موارد متفرقه
۷۵	۱۰۰٪	مجموع

### نتیجه:

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد تنسيق الصفات و سجع بیشترین تکرار را در متن نامه‌های عباس میرزا دارد. اطناب نیز معمولاً در آغاز نامه‌ها دیده می‌شود. همچنین برخی واژه‌ها در نامه‌های وی آمده که امروز فارسی زبانان کمتر از آنها استفاده می‌کنند. شکل ظاهری نامه‌ها نیز الگوی تکراری دارد؛ به این صورت که در آغاز، عبارات احترام‌آمیز و سپس متن اصلی

نامه آمده و پس از آن عبارات تکراری معمول نامه‌ها دیده میشود. مهمترین هدفی که عباس‌میرزا در نوشتن نامه‌ها دنبال میکند، برقراری و تحکیم روابط با عثمانی است که خود معلول شرایط ویژه آن روزگار است. دولت روسیه تنها راه گسترش سلطه استعماری خود را بر ایران و عثمانی، ایجاد اختلاف میان دو دولت دانسته و همواره در پی تعمیق این اختلافات بوده است؛ عباس‌میرزا هم با درک درست این نکته بیشترین تلاش خود را در خنثی کردن این نقشه به کار گرفته است.

### فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- پادشاه، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ جامع فارسی (آندراج). تهران: کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
- ۳- حسینی، سیده اعظم (۱۳۸۶)، خاطرات سیده زهرا حسینی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)، لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- شرفکندی، عبدالرحمن (هه ژار) (۱۳۷۶)، فرهنگ گردی - فارسی. تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۶- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، فرهنگ عامیانه فارسی. تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ دوم.
- ۷- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه). تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.